

صورت شاهزاده ناپ اول و نایب السلطنه

نمبر ۲۸۵

۲

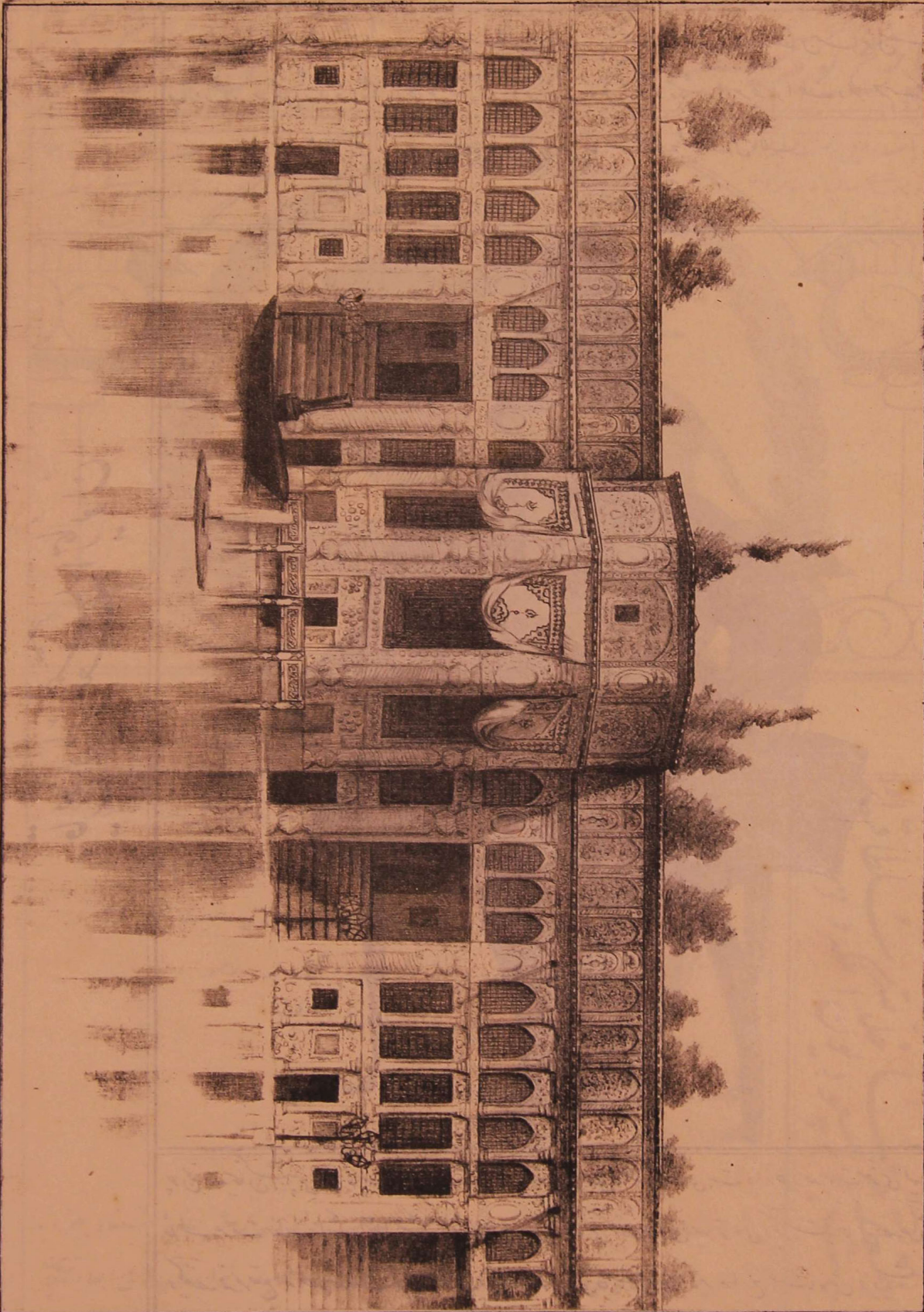
از ایشان بطور رسیدند بموجب تصدیق پسالار وزیر جنگ از فرمان مد لعان می یون منصب
 نشان ایشان سر منگی از درجه اول با جمیل مخصوص بان مرتب نایل گردیده مشمول مزید عواطف و مراحم سپه
 اعظم حضرت قدر قدرت مایون ظل الله شاهنشاه و لیسنت کل مالک
 محمد پسر ایران خداوند و سلطان



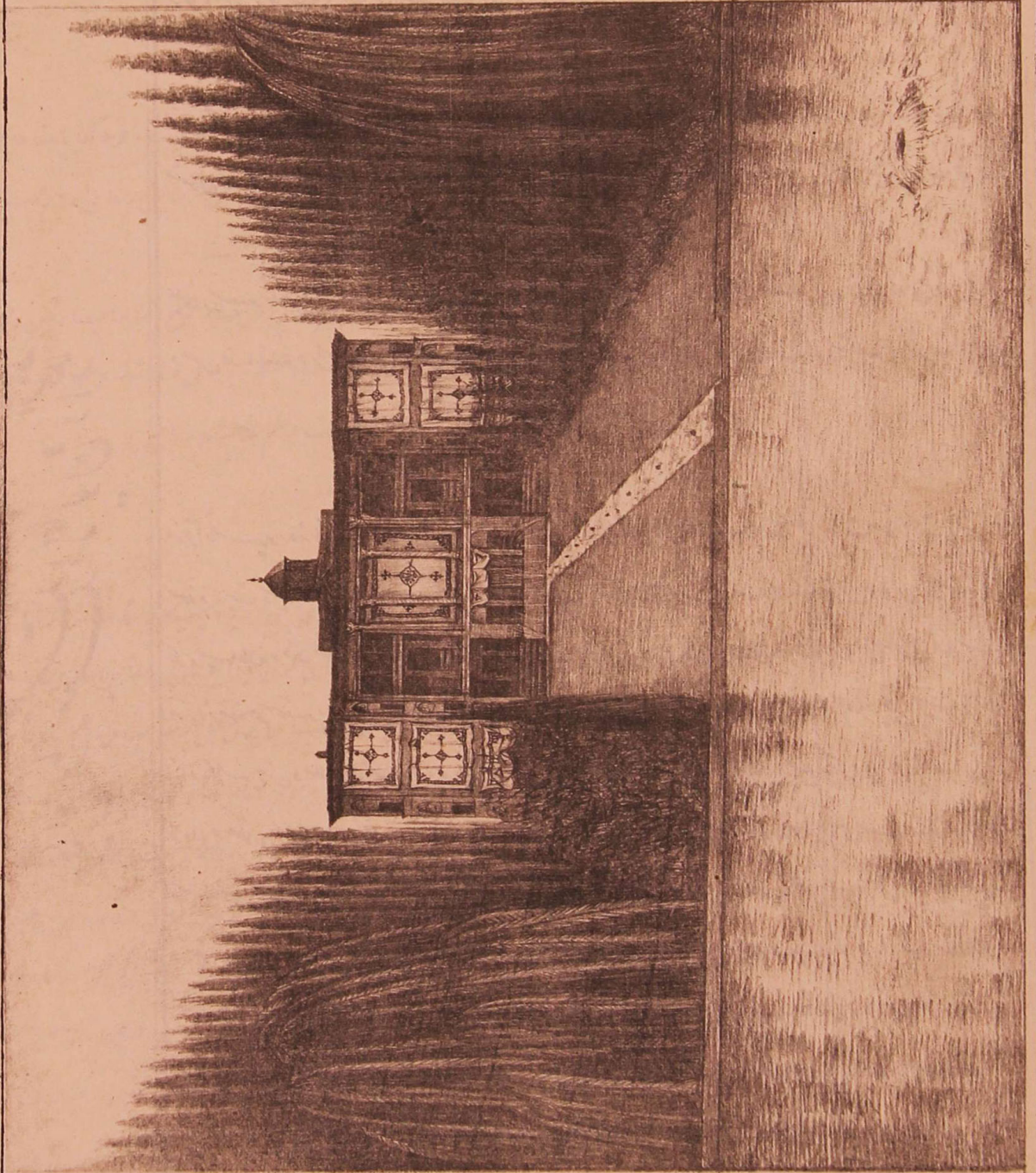
واقع در بارگه ایستادگی ایوان

چون محمد مجاهد شکیمی باشی ناپ اول وزارت جنگ پیوسته مشمول خدمتگذاری است و از طرف خدمات مغزی الهیه
 خاطر مرحمت مظاہر مبارک را کمال خوشنودی حاصل است با عطا می کیفیت نشان امیر توانی دیگر شده جمیل مخصوص
 دیگر کیفیت و موصوع از خصوصیات که مبارک مایون سپه از انبی حاصل نمود و در مباح اعتبارش افزوده شد

صورت‌نگار مخمومی از طرف جنوب و قبله



منظر ۵۴۱
۳



نظر عمده بنا بر این موزه است از طرف شمال

محمد علیخان شاهرابی همواره از طرز خدمات خود خاطر مظهر همایون اقدس شایسته نشانی خداوند متعالی
ملکه و پسران را راضی و خرسند داشته و دقیقه از دقیقه صداقت و ارادت فرموده و گذشته لند امحل طور مرام
لوکانه این اوقات با عطای کفایت نشان از درجه پستی با حایل مخصوص با کمال سپه افریزی و افتخار حاصل

نمود

محمد ابراهیمخان معمار بایشه که در انجام فرمایشات لوکانه و اشتغال خدمات مرجعه بخود مراقبات تامه ظاهر کرده
مشمول عواطف کامله لوکانه آمد با عطای کفایت نشان از درجه اول سپه منکی با حایل آن تشریف یکتوب جنبه تریه کرانه

سر بسندی حاصل نمود

علیخان سپه شاهرابی که از اوایل شباب در رکاب نصرت اشباب همایونی بخدمتگذاری و جان نثاری مشغول بوده
و حسن خدمات خود را در پیشگاه همایون اقدس بنشانی ظاهر نموده بقتربیف یک طاقه شال کشمیری شرف افتخار

و امتیاز حاصل نمود

از قرار تفسیر روزنامه آذربایجان بجهت الله تعالی سپه کار و لیعهد در کمال صحت و سلامت بنظم مهات معطر ملکوت و نسق امور
مشترک ولایت اشتغال دارند و در موجبات از و یاد دعا کونی بجهت بقای ذات کثیر البه کات اقدس همایون شاهنشاهی خلد
ملکه و پسران دقیقه غفلت جایز نمیدانند و مردم آسوده حال و فارغ البال به عادی دولت سپرد ال مشغول میباشند
در روز هفدهم شهر ربیع الاول که عید بود حضرت ختم المرسلین و فخر القبیین بود علی ریسیم المعاد بنیاد تنبیت و مبارک
بنامه مجلس خشن و سلام ترقیب اده بودند سپه ارکل پیشکار دوزیر سپه کار و لیعهد با جمع چاکران با غرودشان بزرگان
رجال و عطای ابطال از نظام و غیر نظام بجز سپه کار با احتشام و لیعهد شرف وصول حاصل پخته لوازم تنبیت
سپه را با طریقه هر ساختند و بعد از قرائت خطبه پیلغ بشجون نبوت و سابق حضرت تعقی باب و آل اطمینان حضرت
و مقرون بنام مبارک حضرت ماکر قاب همایون و شکیب توپ و استماع قصید مرغوبه که میرزا محمود شاعر
تنبیت عید محمدی صلی الله علیه و آله انشا کرده با جازه سپه کار و لیعهد هر یک با کن و منابزل خود رجوع نمودند
سپه ارکل در نظم امور افواج متوقف و ماورا آذربایجان بدقت تمام رسیدگی مینماید و در حفظ امنیت شهر و اطراف
نهایت اهتمام منظور داشته حرکتی برخلاف جناب و قانون نظامی واقع نمیکرد و در حفظ امنیت طرق و شوارع قرائین
را باها فاصه سمت خومی کمال موظبت بعمل آورده اند و سپه چه دزدی و راهزنی اتفاق نمی افتد چند نفر از اشرار و
قطاع الطریق همیشه کارشان شرارت و راهزنی بود سپه ارکل متذکره جاده را گرفته بسناری خود رسانده است
از جمله تنبیه نام قراچو که از قدما و شاه میر سارقین بود و این اوقات او را دستگیر نموده به تبریز آورده بودند

وقایع آذربایجان در این ماه

دیگر نیز از ایشار شاهسون که در کدوک صاین اردپل گرفتار شده بود و تبریز آمده با پستخواب سردار کل و حکم
سپه کار و لیجند چون همواره مرگب قتل نفوس و سرقت اموال مردم میشوند مورد یاسا و سپاست گردیده
بسنای عمل خود رسیدند

همدان از قراریکه نوشته بودند امور البصحات از حسن اتمات و فرط کفایت حاج میرزا عبدال
علا الملک حاکم آن ولایت کمال نظام و انضباط را دارد و مردم در مسد امن و آسایش به عافی و ام عمره و دولت
تایین روز اندرون مشغول باشند
علا الملک در انجام امور و خدمات دیوان اعلی و انظام مسمم ولایت و دفع اضرائر پارتین و ایشار
از رعایا و برای ای ایساحات نهایت اتمام و جستناد منظور و مرعی داشته و میدارد و پیچیده
من الوجوه امری که خلاف عدالت و نظم باشد واقع
نمیگردد

ازتاریکه در روزنامه فارس نوشته اند ظهیرالدوله اشک آقاسی باشی وزیر و پیشکار شاهنشاه اعظم میرالدوله
فرمانفرمای مکتب فارس بعد از ورود شاهنشاه معظم بمقصدای کون صغیرایشان در مقام اجرای توابع عدالت
و استحکام مبانی رافت مراسم کفایت و مراتب کفایت ظاهر ساخته اند چون قبل از تشریف فرمائی شاهنشاه اعظم
بشیراز میرزا عسکریان چکری یکی با مورات و نظم شرف رسیده کرده بود و مورد عنایات اولیای دولت علیه آمده خلعت پادشاهی
باشمار او مرحمت گردیده بود. ظهیرالدوله هم روزی علی الطلوع الی الغروب در درخانی نشسته مشغول پردازش بایات
و انجام متوجبات و عهده اقساط دیوان قدر نشان مستند بودن عاجب و مانع هر کس از خاص و عام عرض و مطلبی داشته
باشد در کمال اتمام رسیدگی مینماید و رفع اجحاف و ظلم را میکنند. بعضی از کماشکان که قبل از ورود شاهنشاه
بامور فارس گردیده بودند برخی تقدیبات کرده و اجحافات وارد آورده بودند ظهیرالدوله بجزد استماع پیچیده
انحاض و جانبداری نکرده آنچه با حسابا رعیت دریافت کرده بودند سپهر داد و بصاحبانش نمودده بودند
در شب روز عید مولود مسعود هایدون حضرت شاهنشاه ولینعت کل مالک محروپه ایران لوازم آتشباری و جشن و
سرور در حضور شاهنشاه اعظم عین الله علیه بطور آمده باصل مراتب مراسم شادمانی و مسرت ظاهر
کرده بودند قبل از ورود شاهنشاه و در نفر از اهل کوشک قاضی که از توابع قصبه فاس است بر سر دادوستد
نزاع کرده بودند شخص مدیون صاحب طلب را بزحمت کار و ملاک مینماید و در اگر شمه مجوس ساخته بودند پس در

شاهزاده طبراند که بحقیقت رسیده نموده قابل ارادتی شرع و حکم شاهزاده بسندای عمل ناشایت خود رسانیدند

راپورت پستیم میوردو

خدمت جناب علیخان در ری جماد اولیای فرانس عرض میشود که درم از نسبه خدمت شاهانایم شرح مختصری بایک رای و نظرشاکر و نیز آمده
 و جمید خان درین پستیم نیز آمده می شود و تحصیل فراموشی چون هنگام زرد و نقره ای می از تحصیل کشید و بعد جمید خان سهونیکه در حرف و
 زبان فرانسوی از یاد ندارد و قوی سخت شده و عاقله اش اندک خوشتر شده که باه و جودین پوستی کار است و نمیکند که سستی و مستام با
 بنامذ افغان یاد حفظ کرده و بخصوصه در امولیت میسیم در اموشن گپ از منکره که شکل است بی مجراییکه شخص سوز دیکته فراموشی
 در دست آورد بسیار خوب که بر سر بعضی از قواعد قرار که از آن جمله مطابقت موصوفه فاعل فاعل است نسبت بهمین قرا که
 تحصیل کرده است اطلاق فرانسوی است و نیست ولی از منظر طلب در زبان فرانسوی شکل است که یکدیگر کلمات را یکدیگر هشتاب
 میکند و مکرر تا مل میسند بجهت پیدا کردن کلمات زیرا که زود بخاطرش می آید و از برای هسته از زیر حالت مانوس کردن زبان فرانسوی که از آن
 که هر روزی از یاد است سطر از عبارات مشبهه و خوب فصیحی فرانسوی را حفظ کند و در علم حساب هم کار کرده و میکند و با مجال جمع و تفریق
 و ضرب تقسیم را یاد گرفت است از تفصیلات معلوم میشود که آشنای اصطلاحاتی شده است که از برای هر غیره از آنست که از آنست که
 در قارش کلیه خوب است بسیار مطیع و راست و اگر نقصی را داشته باشد آنست که عادت کرده است که هیچ حقیقت را نمی داند و در زبان و در حساب
 کرده و تغییر کلی در او حاصل شده و حالت مزاجش خوب است از پیشگیل متأثر شده و از خوشبختی او در مسان بسیار خوش گذشت او پوست خود را در محل
 گرم میکرد و در پستیم میوشانید و باید خود را عادت به بلای پسریل فرنگستان ایجا ریت که کرده است جمید خان پیشش شد است در زبان اندک کمال است
 و بر خود جناب شاکر واضح شد است که تغییر کلی در زبان او پیدا شده و نیز از میان کند مطلبی بدون آنکه با سهولت تمام باید خدمت جناب شاکر عرض
 که سبب سهولتی که در بیان اوست معاشرت تحصیل فراموشی و طغلیت با زنی دست معاشرت است با اطفال فرانسوی سبب میشود سهولت سپان و ترقی
 روز بروز در زبان فرانسوی یکجمله شکل است همانند اصول است و چون کار بی معنی نیست در یاد گرفتن قواعد امر زمت با مید
 که در او بسیار کمال کادر در سرش پیدا شده است و در بیان لازم است که رعایت احوال شود در علم حساب اعداد صحیح و کسور را یاد گرفته است
 اما در عمل اشکال دارد و بطبع قریب خوشنت است ولی در ادراک تفصیلات نیست و اینجهت باید کمال سعی خود را در مطیع کردن او کنیم که اوقات
 خود را بقدر امکان صرف کار کرد کند و با این سطرین مقصود خود خواهم پسید بر جناب شاکر واضح است که در باب شاکر در نسبه که من پرده
 شده از من تا بقدر در تنذیب اطلاقان موصلت دارم که در تعلیم علومشان این صفت باید لازم مید که با شند مزاج جمید خان صحیح است
 چندی قبل از این که موخوب بود اندک کتیری است اشکال کلی رفع شده و اثری از آن باقی نیست قوت مزاجش نسبت پیشش زیاد است ناخوشی سرش
 کلی رفع شده و مویشانیار و دیده و عقرب معلوم میشود که در سرش ناخوشی بود و اینست جمع تفصیلاتیکه در باب این دو نفرش کرد و باید خدمت
 جناب شاکر عرض شود و میدارم که درین حال بود من شود از تفصیلات خود از شما است میگویم که اطمینان داشته باشید بوالطبی که
 در ترتیب آنها دارم و آنچه دارم که با کمال احترام در سلک خدام مطیع شما بشم میوردو

جمید خان در ری جماد اولیای فرانس